فاتحه فکرت و ختم سخن...

یارویسی، منصور

در قلمرو با شکوه ادب پارسی-بویژه شعر- موضوع خدا پرستی و اعتقاد به توحید و بحث از صفات جلال و جمال خداوند به گونه‏ای هنری‏ مطرح شده و شاعران موحد به بهره‏گیری از سرمایه‏ فصاحت و بلاغت خویش به این موضوع پرداخته‏اند. شعرا و نویسندگان ادب پارسی با کلام سحر آمیز خود به اثبات وجود باری تعالی و توصیف مظاهر خلقت و عظمت جهان آفرینش پرداخته‏اند.

از آنجا که پیامبر اکرم(ص)فرموده است:«کل‏ امر ذی بال لم یبدء فیه بسم الله فهو ابتر»(هر کار مهمی که با خداوند آغاز نشود ناقص و ناتمام‏ خواهد بود)بنابر این اغلب آثار ادبی ما با یاد و نام‏ مبارک خداوند و با نعت و توصیف او آغاز شده‏ است.

آنچه در زیر می‏خوانید مقاله‏ای است که به‏ اختصار درباره تحمیدیه در شعر فارسی نوشته شده.

فردوسی،حکیم فرزانه طوس،بزرگترین‏ شاعر حماسه سرای ادب پارسی و معمار و پایه گذار کاخ بلند شعر دری،شاهنامه سترگ و استوار خود را با توحید خدا آغاز کرده و با نعت پیامبر اکرم(ص) و علی(ع)مزین ساخته است:

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

خداوند نام و خداوند جای‏ خداوند روزی ده رهنمای

(مقدمه شاهنامه)

هم او گوید:

ترا دانش و دین رهاند درست‏ ره رستگاری ببایدت جست

اگر دل نخواهی که باشد نژند نخواهی که دائم بوی مستمند

به گفتار پیغمبرت راه جوی‏ دل از تیرگی‏ها بدین آب شوی

...منم بنده اهل بیت نبی‏ ستاینده خاک پای وصی

(شاهنامه فردوسی)

در جای دیگر می‏فرماید:

ز دانش نخستین به یزدان گرای‏ که او هست و باشد همیشه بجای

بدو بگروی کام دل یافتی‏ رسیدی بجایی که بشتافتی(1)

شیخ اجل:سعدی شیرازی شاعر و نویسنده کم‏ نظیر که به سخن استاد دکتر منوچهر مرتضوی‏ «معلم و اندرزگوی جامعه و تجلی ضمیر آگاه و غریزه طبیعی و بی‏آلایش مردم ایران است.»(2)در آثار گرانقدر خود جای جای به توصیف باری تعالی‏ پرداخته و گفته:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست‏ عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

در سر آغاز بوستان گوید:

به نام خداوند جان آفرین‏ حکیم سخن در زبان آفرین

خداوند بخشنده دستگیر کریم خطا بخش پوزش پذیر(3)

گلستان او که مثل گلزاری جاویدان«باد خزان‏ را بر ورق او دست تطاول نباشد و گردش ایام عیش‏ ربیعش را به طیش خریف مبدل نکند»به نام و یاد خداوند مزین است:«منت خدای را عز و جل که‏ طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت».

حکیم نظامی گنجوی که بی‏شک باید وی را در شمار ارکان شعر فارسی و استادان مسلم این زبان‏ دانست،عالمی است دیندار و حکیمی است زاهد و همچون دیگر شارعان متعهد،آثارش به یاد و نام‏ خداوند و پیامبر اکرم(ص)متحلی است:

بسم الله الرحمن الرحیم‏ هست کلید در گنج حکیم

فاتحه فکرت و ختم سخن‏ نام خدای است بر این ختم کن

(سر آغاز مخزن الاسرار)

به نام آنکه هستی نام او یافت‏ فلک جنبش زمین آرام از او یافت

(خسرو شیرین)

خرد هر کجا گنجی آرد پدید. ز نام خدا سازد آن را کلید

(اقبالنامه)

ای نام تو بهترین سر آغاز بی‏نام تو نامه کی کنم باز

(لیلی و مجنون)

ای مقصد همت بلندان‏ مقصود دل نیازمندان

خدایا جهان پادشایی تراست‏ ز ما خدمت آید خدایی تر است(4)

(شرفنامه)

عطار نیشابوری که سخنش را تازیانه سلوک‏ نامیده‏اند و از جمله چند تن شاعری است که زبان‏ به مدح امیر و وزیر نگشوده و اعتنایی به صاحب‏ دولتان و زورمندان روزگار خود نداشته است نیز در آثار خود از زیور نام خدا و پیامبر در آراستگی‏ سخن خود بهره برده است:

آفرین جان آفرین پاک را آنکه جان بخشید و ایمان خاک را

آسمان را در زبر دستی بداشت‏ خاک را در غایت پستی بداشت

(منطق الطیر)(5)

به نام آنکه دارای جهان است‏ خداوند تن و عقل و روان است

به هر وصفی که گویم زان فزون است‏ ز هر شرحی که من دانم برون است

(روشنایی نامه)(6)

سنایی غزنوی که از ستارگان فروزان و قدر اول‏ آسمان ادبیات ایران بشمار می‏رود با داشتن قصاید و غزلیات حکمت آمیزی که مشحون از زهد و اخلاق و عرفان اسلامی است و با مثنوی بلند عارفانه،حدیقه الحقیقه،فروغ دیگری در این زمینه‏ دارد:

ای درون پرور برون آرای‏ وی خرد بخش،بی‏خرد بخشای

خالق و رازق زمین و زمان‏ حافظ و ناصر و مکین و مکان

(حدیقه)(7)

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی‏ نروم جز به همان ره که توام راه نمایی

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم‏ همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی‏ تو نماینده فضلی،تو سزاوار ثنایی

(دیوان اشعار سنایی/461)

مولانا جلال الدین محمد مولوی،فروزان‏ترین‏ ستاره آسمان ادب عرفانی فارسی که کاروان سالار هجرت و رجعت انسان از غربت به وطن و از«من‏ جزیی»به«من کلی»و مبشر بی‏باک قیام و انقلاب‏ روحانی و عرفانی و بازگشت از طلسم نیستی هستی‏ نما به سرزمین مالوف،ولی فراموش شده و عیار نقب زن و دیوانه زنجیر گسل زندان شکن و بختی‏ حمال کوس و طوطی محبوس و فیل مست دور از هندوستان و طوفان و انفجار زبر آگاهی انسان‏ است.»(8)در آثارش لحظه‏ای از یاد و نام خداوند غافل نمانده است:

ای طایران قدس را عشقت فزوده بال‏ها در حلقه سودای تو،روحانیان را حال‏ها

در لا احب الافلین پاکی ز صورت‏ها یقین‏ در دیده‏های غیب بین مردم ز تو تمثال‏ها

(سر آغاز کلیات شمس)

از خدا جوییم توفیق ادب‏ بی‏ادب محروم ماند از لطف رب

(مثنوی)

ای خدای پاک و بی‏انباز و یار دست گیر و جرم ما را در گذار

صد هزاران دام و دانه است ای خدا ما چو مرغان حریص بینوا

دم به دم پا بسته دام توایم‏ هر یکی گر باز و سیمرغی شویم

(مثنوی)(9)

حافظ،آن رند عافیت سوز و انیس و مونس و غمگسار و شهرزاد قصه پرداز و پاسخگوی آمال و آلام انسان ایرانی و همزاد ضمیر آگاه او»هم‏ در جای،جای سخن خویش به این مهم‏ پرداخته است:

خیز تا بر کلک آن نقاش خون افشان کنیم‏ کاین همه نقش عجب در گردش پرگار داشت

نظیر دوست ندیدم اگر چه از مه و مهر نهادم آیینه‏ها در مقابل رخ دوست

هر دو عالم یک فروغ روی اوست‏ گفتمت پیدا و پنهان نیز هم

یا هیچکس نشانی زان دلستان ندیدم‏ یا من خبر ندارم یا او نشان ندارد(10)

خاقانی،آن قصیده پرداز سترک و حکیم و فرزانه شروان نیز اشعار خود را با یاد و نام خداوند آراسته است:

جوشن صورت برون کن در صف مردان در آ دل طلب کز دار ملک دل توان شد پادشا

...هر چه جز نور السموات از خدای آن عزل کن‏ کر ترا مشکوه دل روشن شد از مصباح لا

چون رسیدی بر در لا صدر الا جوی از آنک‏ کعبه را هم دید باید چون رسیدی در منا(11)

ناصر خسرو،آواره دره یمگان و شاعر آزاده‏ای‏ که«قیمتی لفظ در دری»را هرگز به پای خودکان‏ نریخت قله رفیع دیگری است در شعر پارسی،او معتقد است که دل آدمی تجلیگاه انوار الهی و کعبه‏ حقیقی است و باید به نور الهی و عرفان صفا یابد و لحظه‏ای از خدای غافل نباشد و در همه امور بر او توکل کند:

به کوی معرفت گر تو در آیی‏ ز هیأت‏های عالم بر سر آیی

که حق را شد دل مردان نظر گاه‏ ترا کردم ز حال کعبه آگاه

از او خواه استعانت در همه کار که چون او کس نباشد مر ترا یار

توکل در همه کاری بر او کن‏ ز غیر او بگردان رو در او کن(12)

صائب تبریزی که«انوار خورشید فصاحتش‏ چون خرد خرده بین،عالمگیر و مکارم اخلاقش‏ چون معانی،«رنگین پذیر»(13)است و بعضی‏ها او را به سبب نکته سنجی‏ها و باریک بینی‏ها،متنبی‏ ایران می‏خوانند از جمله بزرگانی که دیباچه دفتر غزلیاتش را به نام مقدس خداوند مزین‏ ساخته است:

اگر نه مدّ بسم ا...بودی تاج عنوان‏ها نگشتی تا قیامت نو خط شیرازه دیوان‏ها

یا رب از دل مشرق نور هدایت کن مرا از فروغ عشق خورشید قیامت کن مرا

خدایا در پذیر این نعره مستانه ما را مکن نومید از حسن قبول افسانه ما را(4)

هاتف اصفهانی:شاعر قرن دوازده هجری که‏ «کم گفت و گزیده گفت چون در»در ترجیع بند عرفانی خود چنین فرماید:

ای فدای تو هم دل و هم جان‏ وی نثار رهت هم این و هم آن

دل فدای تو چون تویی دلبر جان نثار تو چون تویی جانان

یار بی‏پرده از در و دیوار در تجلی است یا اولی الابصار(15)

سر انجام شادروان استاد شهریار آن شاعر دلداده‏ اهل بیت که عشق و شیفتگی و عرفان را در دوران‏ معاصر تجسم بخشیده بود به پیروی از اسلاف خود دیوان شعرش را به یاد و نام مقدس خداوند و پیامبر اکرم(ص)و ائمه اطهار جلایی دیگر بخشیده است:

خدای خویشتن بشناس و بس کن‏ خدا کافی و جز او غیر کافی است

این سینه هم صدای خدا ضبط می‏کند با آن،نوار قدس که در انحصار اوست

خواهد جهانیان به پرستیدن خدا فرجام در پرستش،پروردگار اوست(16)

آنچه گفته شد قطره‏ای بود از دریای بیکران شعر فارسی،که زیبایی و لطافت خود را از جمال و لطف‏ الهی دو چندان ساخته است.آثار منثور ادب پارسی‏ نیز مشحون است از توحیدیه‏ها و ذکر نام و صفات‏ مقدس حضرت حق.

سخن را با نام:

آن صانع قدیم که بر فرش کائنات‏ چندین هزار صورت الوان نگار کرد(17)

به پایان می‏بریم.

منابع:

1-شاهنامه فردوسی به تصحیح ژول مول،چاپ چهارم‏ 1369 جلد اول

2-فردوسی و شاهنامه،دکتر منوچهر مرتضوی،چاپ اول‏ 1369 انتشارات علمی و فرهنگی

3-بوستان سعدی،غلامحسین یوسفی،چاپ اول 1359، تهران،چاپخانه خواجه

4-خمسه نظامی گنجوی،به اهتمام وحید دستگردی،انتشارات‏ اکبر علمی:چاپ علمی،چاپ دوم 1363

5-منطق الطیر عطار،دکتر سید صادق گوهرین،چاپ چهارم‏ 1365،شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

6-ر.ک.شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی- دکتر حسین رزمجو،چاپ اول 1366،آستان قدس رضوی

7-حدیقه الحقیقه،به اهتمام مدرس رضوی،انتشارات دانشگاه‏ تهران،چاپ اول 1370

8-فردوسی و شاهنامه،دکتر منوچهر مرتضوی،چاپ اول‏ 1369.انتشارات علمی و فرهنگی-تهران

9-ر.ک:مثنوی مولوی،به اهتمام ریبنولد نیکلسون،چاپ‏ پنجم 1366.انتشارات مولی-تهران

10-ر.ک:آب طربناک-تحلیل موضوعی دیوان حافظ دکتر سید یحیی یثربی،چاپ اول 1374 انتشارات فکر روز- ص 47

11-دیوان خاقانی،به تصحیح دکتر سید ضیاء الدین سجادی، چاپ سوم 1368.انتشارات زوار

12-ر.ک شعر کهن در ترازوی نقد اخلاقی اسلامی-دکتر حسین رزمجو،چاپ اول 1366،آستان قدس رضوی

13-ر.ک:گزیده اشعار صائب تبریزی،به اهتمام جعفر شعار،زین العابدین موتمن،چاپ دوم 1370

14-دیوان صائب تبریزی،به کوشش محمد قهرمان،چاپ اول‏ 1364،انتشارات علمی و فرهنگی

15-هزار سال شعر فارسی،به انتخاب جعفر ابراهیمی‏ و دیگران،چاپ چهارم 1376 انتشارات کانون پرورش فکری‏ کودکان و نوجوانان

16-دیوان شعریار،ج سوم،چاپ اول 1369،انتشارات‏ رسالت تبریز

17-سعدی ر.ک شعر کهن در ترازوی نقد اخلاق اسلامی، حسین رزمجو،ص 258 ج دوم.